

آثار استاد روح‌الله خالقی برای سنتور

تنظیم و اجرا:
سامان ضرابی





مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف
کدپستی ۱۶۱۱۹، صندوق پستی ۴۷۷-۱۹۵۷۵
تلفن: ۷۷۶۰۱۰۲۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳

www.mahoor.com
info@mahoor.com

آثار استاد روح‌الله خالقی

برای سنتور

تنظیم و اجرا: سامان ضرابی

نُت‌نگار: سامان ضرابی
طرح روی جلد: سیاوش یعقوبی
چاپ اول: ۱۳۹۲
تعداد: ۲۰۰۰ جلد
لیتوگرافی: کارا
چاپ و صحافی: سعدی

حق چاپ محفوظ است

شابم: ۸-۱۴-۸۰۲۶۰۴-۹۷۹-۰۰-۸۰۲۶۰۴-۱۴-۸ ISMN 979-0-802604-14-8

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۸	نکاتی درباره‌ی قطعات
۸	روح‌الله خالقی، زندگی و آثار
۱۳	نظر علی‌نقی وزیری درباره‌ی خالقی
۱۴	خالقی از نگاه دخترش، گلنوش
۱۵	اشعار تصانیف
۱۹	کوک تصانیف
۲۰	نشانه‌ها
۲۱	پیش‌درآمد شور
۲۳	گل من کجایی
۲۵	آهنگ آذربایجان
۲۹	پیش‌درآمد ابوعطا
۳۱	ضرب ابوعطا
۳۳	پیمان شکن
۳۵	رنگ بیات ترک
۳۷	پیش‌درآمد دشتی
۳۹	نغمه‌ی نوروزی
۴۰	ای ایران
۴۳	حالا چرا
۴۸	شب جوانی
۵۰	نغمه‌ی فروردین
۵۲	رنگارنگ (بهار دلنشین)
۵۷	خوشه‌چین
۵۹	چنگ رودکی (بوی جوی مولیان)
۶۴	شرقی (شماره‌ی ۱)
۶۶	شرقی (شماره‌ی ۲)
۶۸	شرقی (شماره‌ی ۳)
۷۲	شرقی (شماره‌ی ۴)
۷۴	فهرست قطعات سی‌دی

گُلِ من کجایی

آن دم که با تو باشم محنت و غم سرآید وان شب که بی تو باشم جانم ز تن برآید
پیش تو سر نهادم ای فتنه‌ی دل و جان تا از بلای عشقت ما را چه بر سر آید

گُلِ من کجایی؟ کجایی؟ تا به کی همچو گُلِ بی‌وفایی
بیا وز رفیقان جدا شو کاتشم بر جگر زد جدایی

دارد شکایت ای گُلِ دل بی‌نهایت از تو اما به لب نیارم هرگز شکایت از تو
افتد ز پرده بیرون رازِ نهفته آخر دل پُرشکایت از غم لب پُرحکایت از تو

گُلِ من کجایی؟ کجایی؟ تا به کی همچو گُلِ بی‌وفایی
بیا وز رفیقان جدا شو کاتشم بر جگر زد جدایی

آهنگِ آذربایجان

آرزوی ما تویی تو قبله‌ی دل‌ها تویی تو جان بی تو آرامی ندارد کارامِ جانِ ما تویی تو
عاشقم ای مه به رویت سرخوشم ای گُلِ به بویت
مجنون‌تر از مجنون منم من زیباتر از لایلا تویی تو
می ده به یارانِ کهن ای ماهِ من می ده که عمرِ دشمنان طی شد

(دورِ نشاط و نوبتِ می شد) ۲

شب سحر شد مهر از افق جلوه‌گر شد آهِ دلِ درویشان سوزنده چون آذر شد
مطرب ز شهناز شوری عیان کن آهنگِ آذربایجان کن
بر خاکِ تبریز اشکی فرو ریز از فتنه‌ی گردونِ فغان کن

وز سینه سیلِ خون روان کن

بر گو که عشقت آذر به جان‌ها زد بی‌شعله آتش بر خانمان‌ها زد
ای قبله‌ی آزادگان ای خاکِ آذربادگان فرخنده باد یادِ ایامِ تو کز نامِ تو
آشفته‌خاطر دشمنِ دون شد (می در گلوی مدعی خون شد) ۲

پیمان شکن

شود آیا که نسیم بهاری
دل دیوانه از کف برون شد
دارم شبی چون موی تو
کرده پریشانم پریشان
روزی که دادم جان و دل در راه تو از کف
آخر روانیست ای یارِ جانی
با مهربانان نامهربانی
یک شب از حسرتِ رویت نخفتم
گر چه ترکِ من مسکین بگفتی
تا کی عتاب و سرکشی ای مه کنی با من
تا کی ز دستِ من کِشی ای تازه گل دامن
گفتی نمی داند رهی رسمِ وفاداری
تو بی وفایی ای بتِ پیمان شکن یا من
آخر روانیست ای یارِ جانی
با مهربانان نامهربانی

نغمه‌ی نوروزی

گل من بُستان گشته چون رویت
بلبل از مستی
سبزه درگیرد روی صحرا را
قطره‌ی باران
با مینای می آماده کن نی را
کز بلبل آید نغمه‌ی نوروزی
دلدادگان را ای گل صلا ده
چمن از گل شد چون سرِ کویت
هر نفس نغمه‌ای سر کند
لاله آراید چهره‌ی زیبا را
چهره‌ی لاله را تر کند
هان مطرب بزن ساقی بده می را
پُر کن قدح با شادی پیروزی
جامی ز ما گیر جامی به ما ده

ای ایران

ای ایران ای مرزِ پُرگهر
دور از تو اندیشه‌ی بدان
ای دشمن ار تو سنگِ خاره‌ای من آهنم
مهرِ تو چون شد پیشه‌ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جانِ ما
ای خاکت سرچشمه‌ی هنر
پاینده مانی تو جاودان
جانِ من فدای خاکِ پاکِ میهنم
دور از تو نیست اندیشه‌ام
پاینده باد خاکِ ایرانِ ما

حالا چرا

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
 (نوش دارویی) ۲ نوش دارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
 عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست
 نازنینا نازنینا نازنینا ما به ناز تو جوانی داده‌ایم
 وه که با این عمرهای وه که با این عمرهای کوتاه و بی اعتبار
 (شهریارا بی حیب خود نمی کردی سفر) ۲
 بی وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا
 سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
 (من که یک امروز مهمان توام فردا چرا) ۲
 دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
 (این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا) ۲
 راه مرگ است این یکی (بی مونس و تنها چرا) ۲
 تنها چرا حالا چرا تنها چرا

شب جوانی

تا به کی از این دل آزاری ها
 کار بیدلان بود زاری ها
 خونین تر از لاله و گل دل از وفاداری شد
 جز غم ندیدم ثمری از این وفاداری ها
 ای شعله‌ی مهر و وفا آفت جان و تنی
 چند ای بلای تن و جان آتش به دل ها فکنی
 ای خاک پایت تاج سر من
 بر خاک راهی گاهی نگه کن ای دلبر من
 دور از تو ریزد چشم تر من
 خونابه‌ی دل در ساغر من
 باز که بی رویت بهار عمرم دی شد
 شب جوانی طی شد

نغمه‌ی فروردین

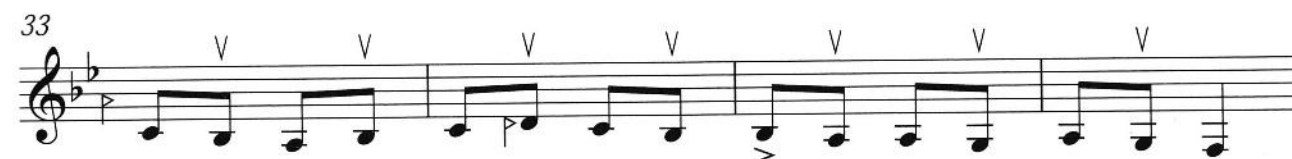
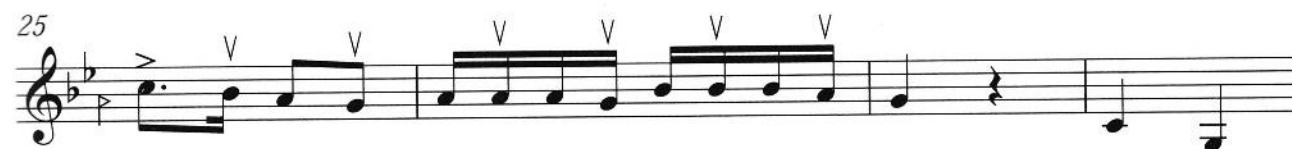
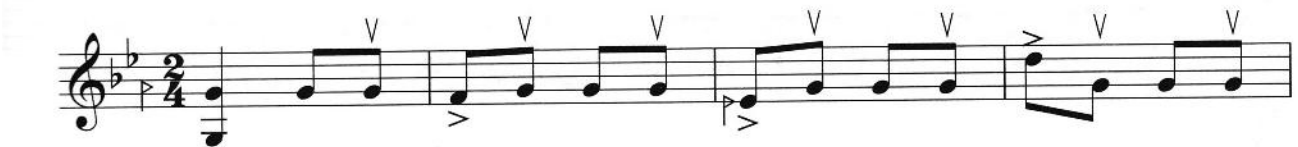
ابر نروزی بر آمد بر روی کُھسار
 باد فروردین وزید از هر سو به گلزار
 روی بوستان ز گل ها پُر از نگار است
 دور عشق و روز دیدار روی یار است
 ابر گوهربیز باد عطر آمیز
 کرده بوستان چون درگه پرویز
 شد چمن رنگین از گل و نسرين
 هان بده ساقی باده‌ی نوشین

رنگارنگ (بهار دلنشین)

تا بهار دلنشین آمده سوی چمن
 ای بهار آرزو بر سرم سایه فکن
 چون نسیم نوبهار بر آشیانم کن گذر
 تا که گلباران شود کلبه‌ی ویران من
 بازا بین در حیرتم بشکن سکوت خلوتم
 چون لاله‌ی تنها ببین بر چهره داغ حسرتم
 ای روی تو آینه‌ام عشقت غم دیرینه‌ام
 بازا چو گل در این بهار سر را بنه بر سینه‌ام

پیش درآمد شور


$\text{♩} = 114$



41



45



49



53



گل من کجایی

دستگاه شور

♩. = 78



1.ân - dam ke bâ to bâ - sham meh - na - to gham_ sa - râ yad
2.dâ - rad she - kâ - ya tey gol del bi - na - hâ ya taz to



vân shab ke bi to bâ - sham jâ - nam ze tan ba - râ - yad
am - mâ be lab na - yâ - ram har - gez she - kâ - ya - taz to



pi - she to sar na - hâ - dam
of - tad ze par - de bi - run



ey fet - ne - ye de - lo jân tâ az ba - lâ - ye esh - qat
râ - ze na - hof - te â - kher del por she - kâ - ya - taz gham



mâ râ che bar sa - râ - yad
lab por he - kâ - ya - taz to



go - le man ko - jâ - i ko - jâ - i tâ be key ham - cho gol bi - va - fâ - i
go - le man ...

**Pieces of
Ostâd Ruhollâh Khâleqi
for Santur**

arranged & performed by
Sâmân Zarrâbi